مجله رویه قضایی

نوع مقاله: پژوهشی
دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ ـ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

تفسیر قضایی از جایگاه نهاد توبه در حقوق کیفری ایران

✍ **محمد متین پارسا** ✉ m.matinparsa69@gmail.com
دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
احمد رمضانی
استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
سمیه علیزاده نجد
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای رویکرد کیفرزدا و حبس‌زدای خود تأسیسات حقوقی نوینی را ایجاد یا بعضاً نهادهای پیشین را در قالب یک تأسیس حقوقی عام، بسط داد که از آن جمله می‌توان به «نهاد توبه» اشاره داشت. با گذشت بیش از یک دهه از کاربست تقنینی توبه به‌عنوان یک نهاد کیفرزدای عام، حال می‌توان میزان پذیرش و کاربرد آن را در عمل (رویه‌ی قضایی) مورد بررسی قرار داد. در نتیجه پرسش اصلی این نگاشته چنین است که «جایگاه نهاد توبه در رویه قضایی ایران چگونه است؟» بدین‌منظور پژوهش حاضر با استفاده از روش ترکیبی کمّی (آماری) و کیفی (تحلیل محتوای اسناد)، بر دادنامه‌های مشتمل بر توبه متمرکز شده و ۶۱۰ دادنامه به‌عنوان نمونه پژوهش نهایی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های کمّی حاکی از آن است که عناوین مجرمانه «مصرف مسکر» و «جرایم مرتبط با مواد مخدر»، روی‌هم‌رفته ۷۵ درصد (به ترتیب ۶۲ درصد و ۱۳ درصد) از تمام موارد مطروحه‌ی توبه را به خود اختصاص داده و کلیه عناوین مجرمانه دیگر، تنها ۲۵ درصد از پرونده‌های مشتمل بر توبه را تشکیل می‌دهند. یافته‌های کیفی نیز بیان‌گر آن بوده‌اند که قضات در غالب موارد ضابطه‌ای را جهت تصمیم‌گیری در مورد توبه قید نمی‌کنند. همچنین قضات در مواجه با عنوان مجرمانه‌ی «مصرف مسکر» رویکرد سهل‌گیرانه داشته، به‌نحوی که ۸۶ درصد موارد منجر به موقوفی تعقیب گردیده است، در ارتباط با جرایم مرتبط با مواد مخدر، توبه کارکرد ابزار تخفیفی داشته و در سایر عناوین، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری حاکم بوده است. در مجموع چنین برداشت می‌شود که «نهاد توبه» علی‌رغم گستره‌ی تقنینی وسیع، در عمل به‌صورت بسیار محدودی مورد پذیرش قرار گرفته و ظرفیت‌های قانونی آن مورد استفاده نبوده است.

واژگان کلیدی: رویه قضایی، سقوط مجازات، قرار موقوفی تعقیب، مصرف مسکر، اقرار، ندامت، اصلاح

استناد: متین‌پارسا، محمد؛ رمضانی، احمد و علیزاده نجد، سمیه. (۱۴۰۴). تفسیر قضایی از جایگاه نهاد توبه در حقوق کیفری ایران. دوفصلنامه رویه قضایی، ۱ (۲)، ۱۹۳-۲۱۸.

https://doi.org/10.22034/juris.2025.2053829.1024

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
© نویسندگان.

مقدمه

کاربست گزافهٔ ضمانت‌اجراهای کیفری چه در بُعد تقنینی و چه در بُعد قضایی، محدودشدن آزادی‌های افراد، تحمیل هزینهٔ زیاد به دولت و خلل در عملکرد دستگاه قضا را به‌همراه خواهد داشت. از این‌روی امروزه نظام‌های حقوقی راهبردهای عقب‌نشینی نظام کیفری را در قالب سیاست‌های جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی طراحی می‌کنند که سیاست کیفرزدایی بیش از دو سیاست دیگر مورد توجه تصمیم‌سازان کیفری بوده است؛ زیرا این راهبرد با حفظ وصف مجرمانهٔ رفتار، تنها واکنش کیفری را زدوده و محظورات و محدودیت‌های کمتری نسبت به سایر سیاست‌ها دارد. در ایران نیز در جهت کاهش بار نظام کیفری همین راهبرد کیفرزدایی مورد توجه قرار گرفته است که جلوه‌های متعدد آن در قانون مجازات اسلامی منعکس شده است (بابائی و غلامی، ۱۳۹۱: ۷۵).

یکی ازجلوه‌های سیاست کیفرزدایی مذکور را می‌توان «نهاد توبه» به‌مثابهٔ یک تأسیس حقوقی، موضوع مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دانست. هرچند قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز توبه را به‌عنوان یک نهاد فقهیِ مُسقط کیفرهای حدی و به‌صورت خاص در ارتباط با جرایم زنا، لواط، مساحقه، تفخیذ، مصرف مسکر، محاربه و سرقت، شناسایی و شرایط آن را بیان کرده بود؛ بااین‌حال قانون مجازات سال ۱۳۹۲، ضمن دور نشدن از دیدگاه فقهای عظیم‌الشأن امامیه و پیاده‌سازی نظرات آنان در مقررات جزایی (خان‌محمدی، ۱۳۹۸: ۸۰)، با بسط گسترهٔ عناوین مجرمانهٔ مشمول و کارکرد این نهاد، تلاش نمود که از توبه به‌عنوان نهاد کیفرزدا و ابزار فردی‌سازی عام بهره ببرد.

با گذشت بیش از یک دهه از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ورود توبه به عنوان نهاد مُسقط و تخفیف‌دهندهٔ جرایم حدّی و تعزیری به ادبیات تقنینی حقوق کیفری ایران، «شیوه‌نامهٔ احراز توبه» نیز در تیر ماه سال ۱۴۰۳ با تصویب رئیس قوهٔ قضائیه، ابلاغ گردید. چنین شیوه‌نامه‌ای که یقیناً متعاقب نیازی مشخص تدوین گشته است، خود می‌تواند زمینه‌ساز سؤالات متعددی باشد، ازجمله اینکه گسترهٔ کاربرد این نهاد چه اندازه بوده است؟ استفاده از نهاد توبه در ارتباط با جرایم حدی به چه شکل بوده است؟ کاربرد این نهاد در خصوص عناوین مجرمانهٔ تعزیری چگونه بوده است؟ آیا قضات در جهت احراز توبه از شاخص‌ها یا معیارهای مشخصی استفاده می‌کنند؟

تمامی این سؤالات را شاید به طور خلاصه بتوان بدین صورت بیان کرد که «رویهٔ قضاییِ نظام کیفری ایران در مواجهه با نهاد حقوقی توبه به چه نحو بوده است؟» سؤالی که محور اصلی پژوهش حاضر خواهد بود.

حال با لحاظ این امر که در نظام عدالت کیفری، دادرسان مجریان اصلی سیاست‌های کیفری هستند و این افراد با آرا و تصمیمات خود سیاست‌های کلان قضایی را در عالم واقع نمودار می‌سازند

و میزان قابلیت اجرا و ضعف و قوّت سیاست‌ها را به سیاست‌گذاران نشان می‌دهند و عینیت می‌بخشند (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۹)؛ به‌منظور پاسخ به سؤال فوق، کنش‌های این افراد که در تصمیمات قضایی (آرای قضایی) منعکس می‌شود و نقش رویهٔ قضایی حاصل از آرای آنان، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی تبیین رویهٔ قضایی در ارتباط با «تأسیس حقوقی توبه»، از طریق کاوش در دادنامه‌های صادره توسط قضات خواهد بود.

۱. پیشینهٔ پژوهش

با توجه به پیشینهٔ فقهی نهاد توبه و پیش‌بینی آن به‌عنوان عامل سقوط مجازات در قوانین کیفری، ادبیات حقوقی گسترده‌ای حول این نهاد شکل گرفته است که این آثار به‌طور کلی دارای سه محور اصلی هستند: بررسی ابعاد فقهی توبه؛ بررسی ابعاد قانونی توبه؛ بررسی نهاد توبه در ارتباط با یک جرم معین.

به‌عنوان نمونه، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد نگاشته‌شده توسط عباس پوربهمنی با عنوان «اثر توبه در سقوط مجازات حدی در فقه و حقوق موضوعه ایران» (۱۳۹۳)، ضمن تلاش برای ارائهٔ یک تعریف دقیق از توبه با تکیه بر آیات، روایات، نظرات بزرگان فقه و اخلاق و عرفان، مفصلاً به بررسی مسائل و موارد فقهی و حقوقی آن پرداخته و ارکان و شرایط توبه‌ای که به عنوان یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات است را مورد بررسی قرار داده است.

همچنین پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد با عنوان «تحلیل فقهی حقوقی توبه در حقوق کیفری ایران»، به قلم زهرا سپهری‌خواه (۱۳۹۳)، مقالهٔ «ماهیت توبه و شرایط آن در فقه امامیه و حقوق ایران و نقش آن در اسقاط حدود»، اثر علیرضا ابراهیمی (۱۳۹۶) و نیز مقالهٔ «نقش توبه در سقوط مجازات‌های حدی در فقه و حقوق ایران» اثر ناظر حسین محمدی (۱۳۹۸) با بیانی توصیفی به بیان شرایط توبه به‌عنوان یک تأسیس حقوقی در فقه و قانون پرداخته‌اند.

دسته‌ای دیگر از آثار نیز همچون مقالات «بررسی توبه در جرایم شرب خمر و مرتد از دیدگاه‌های فقهای اسلامی» (صاحبی رهنی، داودیان، ۱۴۰۰) و «نگاه تحلیلی به نقش توبه در حدود (سرقت) و تعزیرات براساس فقه و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲» (رضایی، پنجه‌پور و اسدی کوه‌باد، ۱۳۹۸) و «بررسی ادلهٔ نقش توبه در سقوط مجازات‌های جرائم منافی عفت از دیدگاه فریقین» (محرمی، ۱۳۹۲) و پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد با عنوان «جایگاه توبه در جرایم اقتصادی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و عراق»، باسم جابر محمد جعفر الغراوی (۱۴۰۳)، به فراخور قواعد فقهی یا شرایط قانونی را نسبت به عناوین مجرمانهٔ خاص مورد بررسی قرار داده‌اند.

از میان آثار مشاهده‌شده، مقاله‌ای با عنوان «کیفیت احراز توبه با مطالعه موردی آرای دادگاه‌ها»، نگاشتهٔ افشین عبداللهی در مجله علمی آموزه‌های حقوق کیفری (۱۳۹۸)، نزدیک‌ترین اثر با نوشتهٔ

حاضر است؛ زیرا این مقاله نیز بخشی از یافته‌های خود را مستند به متن دادنامه‌های مرتبط کرده است. اصلی‌ترین یافتهٔ پژوهش مزبور را می‌توان فقدان ضابطهٔ مشخص در پذیرش یا ردّ توبه و در نتیجه تعارض در آرای صادره دانست که این امر مورد تأیید نوشتهٔ حاضر نیز قرار گرفته است.

با این‌حال در هیچ‌کدام از آثار این حوزه، رویهٔ قضایی موضوع پژوهش نبوده است؛ حتی مقالهٔ اخیر نیز همان‌طور که نگارنده تصریح داشته است، بر مبنای روشی توصیفی ـ تحلیلی نگاشته شده و به تحلیل تقنینی پرداخته و تنها در بخش دوم از اثر، با اشاره به چندین دادنامه با روشی کیفی (مطالعهٔ موردی)، متن این اسناد را تحلیل نموده و به برخی چالش‌ها اشاره داشته است.

از این جهت پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل دادنامه‌های مرتبط و استفاده از روش‌های تجربی (ترکیبی از روش کمّی و کیفی) سعی در استخراج رویهٔ قضایی داشته و بدین سبب از پژوهش‌های پیش از خود متمایز خواهد بود.

۲. روش‌شناسی

استراتژی‌های پژوهشی روش‌های متفاوتی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش به دست می‌دهند و شامل چهار نوع استراتژی استقرایی، قیاسی، پس‌کاوی و استفهامی هستند (بلیکی، ۱۳۹۹: ۱۳۶۹). از آنجا که شیوهٔ کار این مطالعه، انباشتن داده‌ها، تعمیم‌دهی و سپس استفاده از الگوهای به‌دست آمده جهت تبیین‌های بعدی بود، لذا از استراتژی استقرایی استفاده شد. در این زمینه با گزینش چارچوب ترکیبی کمّی ـ کیفی، روش تحقیق پژوهش حاضر از یک‌سو بر اساس تحلیل آماری نمونه‌های پژوهش و از سوی دیگر بر اساس تحلیل محتوای دادنامه‌های صادرشده، بنا گردیده است. با این توضیح که ابتدا با ملاک قراردادن محدودهٔ زمانی ده‌ساله (سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳)، تلاش شد آرای صادرشدهٔ مرتبط با موضوع پژوهش از سامانه‌های در دسترس[1] گردآوری شود که در مجموع ۹۲۵ دادنامه مشتمل بر «ابراز ندامت، پشیمانی و اعلام توبه» از سوی متهمین تهیه گردید.

در گام بعدی، با مطالعهٔ دادنامه‌های گردآوری‌شده، ۳۱۵ مورد، به دلیل قابل استفاده‌نبودن از نمونه‌های این پژوهش حذف گردید. دلایل خارج‌شدن این دادنامه‌ها عبارت بوده‌اند از: قرار منجر به منع تعقیب؛ ادعا یا احراز توبه در مرحلهٔ دادسرا؛[2] رأی منجر به برائت؛ رأی منجر به موقوفی تعقیب

---

۱. سامانه تحلیل و نقد آرای قضایی (تناد) زیر نظر مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه پایگاه اصلی برای دریافت دادنامه‌ها بوده است. همچنین سامانه ملی آرای قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه نقشی تکمیلی داشته است.

۲. دربارهٔ صلاحیت دادسرا نسبت به صدور قرار موقوفی تعقیب ناشی از توبه بین اساتید و حقوق‌دانان اختلاف‌نظر وجود دارد. عده‌ای با با عنایت به صلاحیت بازپرس در جمع‌آوری ادله و صلاحیت در صدور قرار موقوفی تعقیب که ←

قاعدتاً تعقیب در دادسرا صورت می‌گیرد نه دادگاه؛ معتقد هستند مراجع تحقیق در دادسرا اعم از بازپرس و دادیار در صورت احراز توبه می‌توانند ان را مورد پذیرش قرار داده و اتخاذ تصمیم نمایند (امیری، ۱۴۰۰: ۳۵). در مقابل چنین بیان شده است که قانون‌گذار به توبهٔ مجرم اشاره داشته و به‌علاوه، نتیجهٔ احراز توبه سقوط یا تخفیف مجازات است؛ بنابراین اثبات توبه در مرحلهٔ دادگاه امکان‌پذیر است (وطنی، توجهی و رجایی، ۱۴۰۰: ۵۰).

همین اختلاف‌نظر در آرا و نظریات مشورتی نیز دیده می‌شود. نظریه مشورتی ۷/۱۴۰۱/۹۳۸، مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۵: «احراز توبه متهم و ندامت و اصلاح وی، طبق مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با قاضی دادگاه است و دادسرا حق مداخله در آن را ندارد و لذا در صورت توبه متهم، دادسرا باید پرونده را با صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست به دادگاه ارسال کند.»

نظریه مشورتی ۷/۹۴/۹۴۹، مورّخ ۱۳۹۴/۰۴/۱۵: «احراز توبه مرتکب جرم، طبق مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با قاضی محکمه است و دادسرا حق مداخله در آن ندارد. درصورت توبه، دادسرا باید پرونده را با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست، به دادگاه ارسال کند تا اقدام مقتضی معمول گردد.»

تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۱۰۱۳۹۰۰۰۰۳۹۸۵۵۹، شعبه ۸ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ساوجبلاغ، مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۳۱: «... در خصوص گزارش مرجع انتظامی ... دایر بر مصرف مشروبات الکلی به صورت غیر علنی (حدی) پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت، نظر به محتویات پرونده و با عنایت به دلایل حاصله بدین شرح:... ۲: اقرار مقرون به واقع متهم به مصرف مشروبات الکلی علی‌رغم اعلام پشیمانی و احراز ندامت و اعلام توبه (رسیدگی به توبه و ترتیب اثر دادن به توبه در دادسرا قابلیت رسیدگی ندارد.) ... و سایر قراین و امارات موجود در پرونده، لذا بزه انتسابی محرز بوده و ...قرار جلب به دادرسی متهم صادر و اعلام می‌گردد.»

به‌عنوان نظر مخالف:

تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۳۶۲۰۰۲۰۱۸، شعبه ۱ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اصفهان (مجتمع ۴)، مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۹: «در خصوص گزارش ضابطین ... دایر بر شرب خمر نظر به اینکه بزه مذکور از جمله جرایم حدی است و نامبردگان قبل از اثبات بزه توبه نموده و توبه ایشان برای این مرجع محرز گردیده است؛ لذا دادیاری مستندا به ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصول ۱۳۹۲ و ماده ۱۳ قانون ایین دادرسی کیفری به لحاظ توبه ایشان قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می نماید.»

تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۴۱۸۸۲۷۲، شعبه ۱ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۸ (جرایم امنیت اخلاقی)، مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۰: «درخصوص اتهام اقای ... دایر بر مصرف مسکر، با عنایت به اینکه متهم به ارتکاب بزه اقرار دارد. لیکن مدعی توبه است و ابراز ندامت و پشیمانی می‌کند؛ لذا درراستای ترغیب متهم و تقویت اراده وی به منظور فراهم نمودن مقدمات احراز توبه، نامبرده به واحد فرصت که مستقر در دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۸ تهران و متشکل از کارشناسان و نخبگان مذهبی است، معرفی و هدایت شد تا چنانچه متهم اقدامات آن واحد را که همگی با هماهنگی و تاأیید این دادسرا صورت می‌گیرد، انجام دهد و تأییدیه را به‌دست آورد بتوان تأییدیه موصوف را به‌عنوان مدرکی دال بر احراز توبه در اجرای ماده ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی به حساب آورد که در ما نحن‌فیه با توجه به تأییدیه واحد فرصت و صحبت‌ها و گفتگوی این شعبه با متهم که متعاقب اظهار توبه به عمل آمد،

←

به علت گذشت شاکی؛ آرای منجر به موقوفی تعقیب به علت مرور زمان؛ آرای منتهی به حکم محکومیت که صرفاً در شرح پرونده یا گردش‌کار به ابراز ندامت و پشیمانی متهم اشاره شده (نه توبه در معنای خاص) و در متن دادنامه نیز این عامل مورد توجه قرار نگرفته است.

پس از پالایش دادنامه‌های گردآوری‌شده‌ی ابتدایی، در نهایت ۶۱۰ دادنامه دادگاه بدوی[1] با قلمروی زمانی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ (ده سال) و قلمروی مکانیِ تمام کشور، به‌عنوان حجم نمونهٔ پژوهش انتخاب شد؛ در این دادنامه‌ها، ادعای توبه در معنای خاص از سوی مرتکب بیان شده و دادگاه نیز به‌طور سلبی یا ایجابی در مورد آن اظهار نظر کرده است که خروجی آن بر مبنای احراز یا عدم احراز توبه، در سه دسته جای خواهد گرفت: «احراز توبه منجر به قرار موقوفی تعقیب»؛ «احراز توبه منجر به تخفیف (محکومیت)»؛ «عدم احراز توبه».

با نهایی‌شدن حجم نمونه پژوهش، متن دادنامه‌ها بر اساس شاخص‌های مهم مرتبط با مسئلهٔ پژوهش مجدداً مطالعه و مورد تحلیل قرار گرفت:

- عناوین مجرمانهٔ حدّی و عناوین مجرمانه تعزیری منجر به قرار موقوفی تعقیب؛
- عناوین مجرمانهٔ تعزیری منجر به تخفیف؛
- استدلال قضات در راستای پذیرش توبه؛
- استدلال قضات در جهت عدم احراز توبه؛
- شاخص‌های اثرگذار در احراز یا عدم احراز توبه؛

با مدنظر قراردادن محورهای فوق در دادنامه‌های گزینش‌شده، هدف آن بود که به‌نوعی رویهٔ قضایی در ارتباط با نهاد توبه استخراج گردد که خروجی آن‌ها در دو قسمت یافته‌های توصیفی (کمّی) و یافته‌های تحلیلی بیان خواهند شد.

۳. رویهٔ قضایی در پرتوی تحلیل کمی دادنامه‌ها

نخستین پرسش از نهاد توبه را می‌توان معطوف به میزان پذیرش و گستردگی این نهاد امتنانی دانست که در ابتدا به جرایم حدی غیرحق‌الناسی اختصاص داشته و در قانون مجازات اسلامی

ندامت و اصلاح وی احراز می‌گردد. و مستنداً به ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی که توبه متهم قبل از اثبات جرم درجرایم موجب حد از جمله مصرف مسکر را باعث سقوط مجازات می‌داند و با استناد به بند «ج» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و در راستای ماده ۲۶۵ همین قانون قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌گردد.»

۱. مواردی که به‌صورت غیابی رسیدگی‌شده و سپس به موجب واخواهی در دادگاه بدوی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند نیز به‌عنوان نمونه پژوهش بوده‌اند.

۱۳۹۲ به عناوین مجرمانهٔ تعزیری نیز تعمیم یافته است.[۱] سؤالات بعدی را می‌توان ناظر بر عناوین مجرمانه‌ای که بیشترین تکرار را در کاربرد نهاد توبه داشته‌اند و نیز خروجی آرای مشتمل بر توبه دانست. جدول زیر به‌طور مختصر نتایج تحلیل ۶۱۰ دادنامهٔ بررسی‌شده را منعکس می‌کند:

۱. جدول آمار کلی دادنامه‌های مشتمل بر توبه

تصمیم دادگاه	فراوانی عددی	فراوانی درصدی	نتیجه	فراوانی عددی	فراوانی درصدی		
احراز توبه	۴۶۶	۷۶	احراز توبه منجر به قرار موقوفی تعقیب	۳۷۹	۶۲	مصرف مسکر:	۳۲۷
						سایر عناوین مجرمانه:	۵۲
			احراز توبه منجر به حکم محکومیت همراه تخفیف	۸۷	۱۴	عناوین مرتبط با مواد مخدر:	۵۶
						سایر عناوین مجرمانه:	۳۱
عدم احراز توبه	۱۴۴	۲۴	حکم محکومیت کامل (بی‌اثربودن توبه)	۱۴۴	۲۴	مصرف مسکر:	۵۳
						مرتبط با مواد مخدر:	۱۶
						سایر عناوین مجرمانه:	۷۵

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد از مجموع ۶۱۰ دادنامه مشتمل بر ادعای توبه از سوی مرتکب، ۴۶۶ نمونه، اعم از حدی و تعزیری، همراه با احراز بوده است؛ به‌عبارتی در ۷۶ درصد از دادنامه‌های مورد پژوهش، توبه از سوی مقام قضایی احراز گردید است که در ۳۷۹ مورد (۶۲ درصد از کل نمونه‌ها) منجر به صدور موقوفی تعقیب گردیده است.

---

۱. با وجود توسعهٔ تقنینی گسترهٔ نهاد توبه در قانون مجازات سال ۱۳۹۲، همچنان این نقد بر قانون فعلی وارد دانسته شده است که چگونه جرایم مستوجب شدیدترین مجازات‌ها یعنی حدودی که منجر به مرگ مرتکب می‌شوند، به‌واسطه توبهٔ شخص به‌کلی ساقط می‌گردند، اما مجازات‌های تعزیری درجهٔ یک تا پنج تنها امکان تخفیف (آن هم تخفیف قضایی و نه تخفیف قانونی) را پیدا می‌کنند؟ این امر می‌تواند نشان‌دهندهٔ عدم انسجام در سیاست کیفری در خصوص استفاده از نهاد توبه باشد (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۳۰۲؛ صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

علی‌رغم اینکه در نگاه ابتدایی می‌توان نتایج را حاکی از پذیرش نهاد توبه در رویهٔ قضایی دانست، اما وارد کردن شاخص عناوین مجرمانه، برداشت‌ها را به سوی دیگر هدایت می‌نماید؛ زیرا از مجموع ۳۷۹ پرونده منجر به موقوفی تعقیب، این تصمیم در ۳۲۷ دادنامه نسبت به مصرف مُسکر (نوشیدن مسکر، تظاهر به شرب خمر، نوشیدن مشروبات الکلی متجاهراً) به‌عنوان جرم حدی و در ۱۷ دادنامه نسبت به عناوین «فروش، حمل و نگهداری مشروبات الکلی» (جرم تعزیری)، اتخاذ شده است که عناوین اخیر نیز به‌نوعی از سنخ جرایم مرتبط با مشروبات الکلی بوده‌اند.

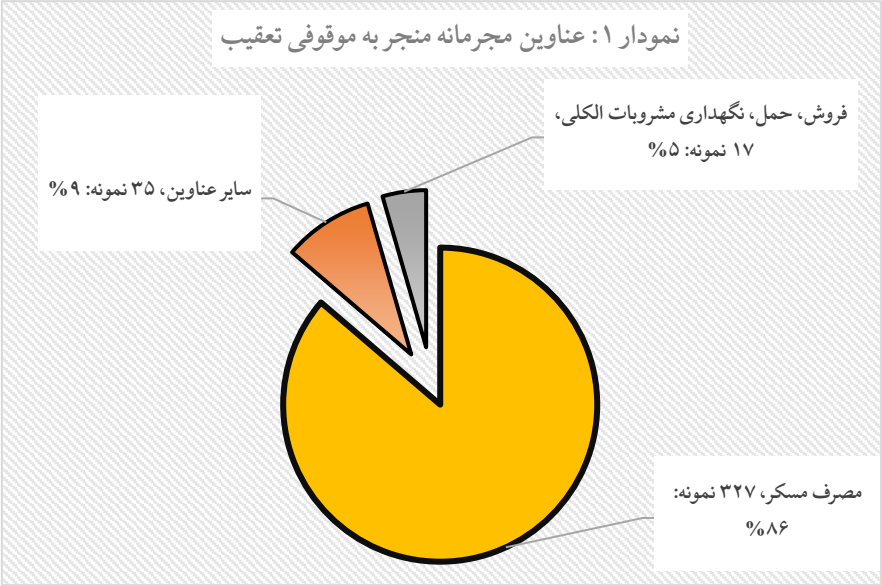

به‌عبارتی جرایم مرتبط با مشروبات الکلی بیش از ۹۰ درصد قرارهای موقوفی تعقیب صادرشدهٔ مرتبط با توبه را به خود اختصاص داده و از این بین عنوان حدّی مصرف مسکر به‌تنهایی ۸۶ درصد از قرارهای مزبور را دربرگرفته است.

در بین سایر عناوین نیز تنها دو دادنامه مرتبط با جرایم حدی (زنای به احصان) و در مجموع در مورد دو مرتکب[1]، قرار موقوفی تعقیب متعاقب احراز توبه مشاهده گردید و هیچ عنوان مجرمانهٔ حدی دیگر مشمول احراز توبه نبوده است.

در نتیجه می‌توان ادعا کرد که مصرف مُسکر عنوان مجرمانهٔ غالب در پرونده‌های مشتمل بر توبه

---

۱. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۵۸۴۴۵۰۰۲۷۰، شعبه اول دادگاه کیفری یک شهرستان بجنورد، مورّخ ۱۳۹۵/۱۲۸/۲۸. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۴۴۳۷۶۰۰۰۸۰، شعبه ۴ دادگاه کیفری یک استان آذربایجان غربی مستقر در خوی، مورّخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۲.

بوده است، به‌نحوی که در مجموع از ۶۱۰ دادنامه، در ۳۸۰ مورد (۳۲۷ قرار موقوفی و ۵۳ مورد عدم احراز)[1] عنوان مجرمانهٔ مزبور موضوع تصمیم قضایی بوده و در ۲۳۰ مورد (اعم از قرار موقوفی، احراز منجر به تخفیف و عدم احراز)، سایر عناوین مجرمانه موضوع احراز یا عدم احراز توبه بوده‌اند نمودار ۲ و جدول ۲، داده‌های فوق را در قالب درصد نشان می‌دهند:

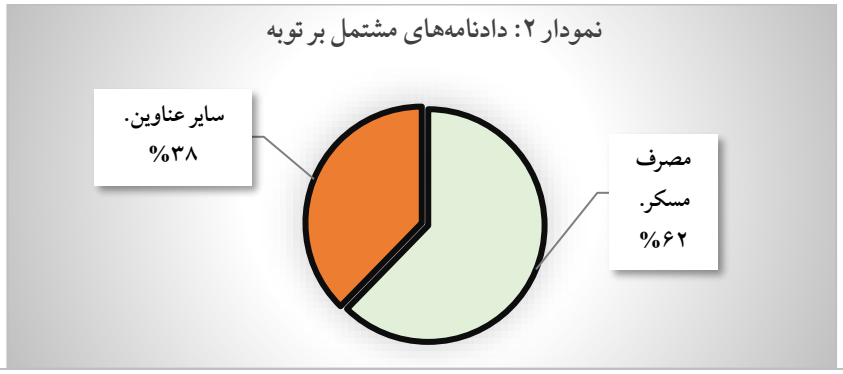

جدول ۲: دادنامه‌های ناظر بر مصرف مُسکر

تصمیم دادگاه	فراوانی عددی	فراوانی درصدی
احراز (قرار موقوفی تعقیب)	۳۲۷	۸۶
عدم احراز (حکم به اجرای حد)	۵۳	۱۴

در سایر دادنامه‌های همراه با احراز توبه نیز عناوین مجرمانهٔ مرتبط با جرایم مخدر، غلبه داشته‌اند، به نحوی که از مجموع ۸۷ دادنامهٔ منتهی‌شده به تخفیف ناشی از توبه، ۶۴ درصد از نمونه‌ها در خصوص عناوین مجرمانهٔ مرتبط با مواد مخدر صادر شده و تنها ۳۱ درصد از نمونه‌ها به تمام عناوین تعزیری دیگر اختصاص داشته که در آن‌ها توبه احراز و منجر به تخفیف مجازات شده است.

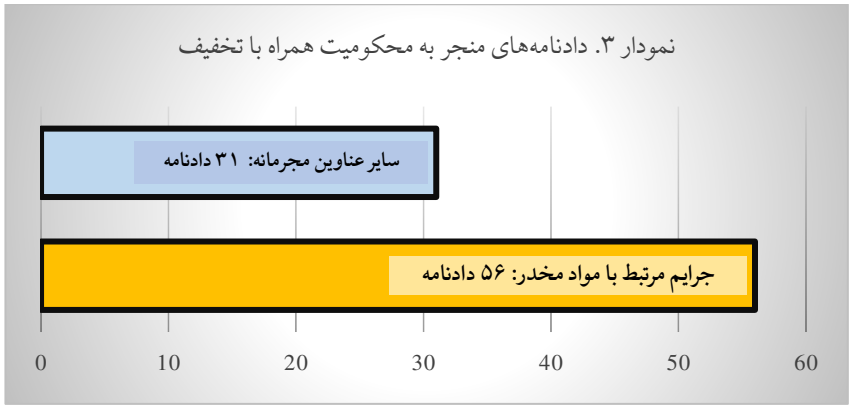

۱. آشکار است که با توجه به حدّی‌بودن جرم مصرف مسکر، فرض احراز توبه منجر به تخفیف، قابل تصور نبوده است.

در پایان باید به دادنامه‌هایی اشاره داشت که علی‌رغم ادعای توبه از سوی مرتکب، این امر احراز نشده و منجر به محکومیت بدون تخفیف بوه است. از ۱۴۴ دادنامه‌ای که به عدم احراز توبه منتهی گردیده‌اند، «مصرف مسکر» در حدود یک‌سوم (۵۳ دادنامه) و جرایم مرتبط با مواد مخدر یک‌ششم (۱۶ دادنامه) را به خود اختصاص داده‌اند و بیش از پنجاه درصد موارد احرازنشده در مورد سایر عناوین مجرمانه صادر شده است.

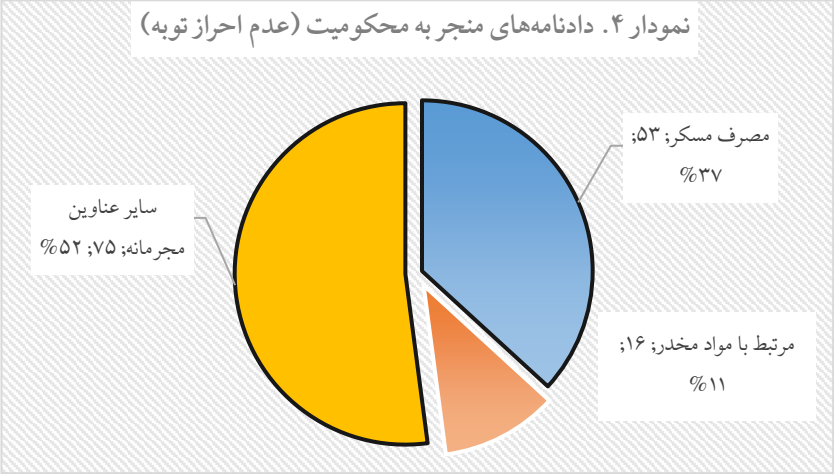

۴. رویهٔ قضایی در پرتوی تحلیل کیفی دادنامه‌ها

در کنار یافته‌های کمّی و توصیفی مستخرج از نمونه‌های پژوهش، متن دادنامه‌های موجود متضمن داده‌های دیگری است که می‌تواند نمایان‌گر نگرش قضات به نهاد توبه، چگونگی استفاده از آن و به‌عبارتی گویای ابعادی از رویهٔ قضایی باشد. در این مبحث ذیل شش عنوان نتایج کیفی تحلیل دادنامه‌ها ارائه خواهند شد.

۴-۱. بی‌ضابطه‌بودن احراز/عدم احراز توبه

مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کنند که: «چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود» این نهاد به‌عنوان عامل سقوط یا تخفیف مجازات اثرگذار خواهد بود. همچنین به موجب ماده ۱۱۷ همین قانون: «در مواردی که توبه‌ی مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود.»

علی‌رغم تکلیف مذکور به احراز توبه، اصلاح و ندامت مرتکب، اما چگونگی احراز این امر به‌طور مطلق به قاضی واگذار گردیده است. به همین دلیل و با هدف نظم‌بخشی بیشتر و احیاناً گسترش استفاده از این نهاد ارفاقی، در تیرماه ۱۴۰۳، «شیوه‌نامه احراز توبه» به تصویب ریاست قوهٔ قضائیه رسید که در ماده ۵ آن چنین مقرر شده است: «مقام قضایی به منظور احراز توبه، ندامت و

اصلاح مرتکب، مواردی از قبیل بندهای ذیل که غالباً حاکی از صحت ادعای توبه است را مورد توجه قرار می‌دهد...».

بااین‌حال پیش و پس از ابلاغ شیوه‌نامهٔ مزبور، متن دادنامه‌ها عموماً منعکس‌کنندهٔ نحوهٔ احراز توبه از سوی قاضی نبوده است و صرفاً به عبارتی در حدّ «...لذا این دادگاه توبه متهم را محرز و مسلّم دانسته...»[1] یا «...دادگاه با در نظر گرفتن این مطلب که علی‌رغم طرح ادعای توبه از جانب متهم در تحقیقات انجام‌گرفته انجام توبه از جانب متهم محرز نشده است...»[2] اکتفا شده است. به‌عنوان نمونه متن یک دادنامه به‌شرح آتی و به‌صورت بسیار مختصر نگارش شده است: «در خصوص اتهام اقای ... دائر بر شرب خمر، دادگاه با توجه به توبه نامبرده و احراز صحت آن از حالات و رفتار وی در جلسه رسیدگی پیش از اثبات جرم به صورت شرعی، مستنداً به ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی حکم به سقوط حد از وی و متعاقب آن مستنداً به بند «ج» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر می‌نماید.»[3]

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر مستشاران دادگاه کیفری یک در ارتباط با اتهام رابطهٔ نامشروع یا عمل منافی عفت (غیر از زنا) چنین اظهارنظر کرده‌اند: «با عنایت به شکایت شاکی ...، متن پیامک‌های بین متهمان، گواهی پزشکی قانونی سلامت جسمی و روانی متهم ردیف دوم، پرونده شخصیت کیفری و دفاعیات متهم ردیف دوم و وکیل ایشان، عدم احراز توبه و با عنایت به اینکه مورد از شمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری خارج و اتهام صرفاً جنبه حق‌الهی نداشته، ... هر یک از متهمان را به تحمل ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید.»[4]

هر چند واضح است همان‌طور که ماده ۱ شیوه‌نامه نیز مقرر کرد، «توبه حالتی نفسانی است که متضمّن توجه و بازگشت انسان به سوی خدا، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه می‌باشد به‌گونه‌ای که

---

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۱۰۵۰۹۷۸۹، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهر شاهین‌شهر، ۱۴۰۳/۰۸/۱۰: «در خصوص اتهام آقای ...دائر بر شرب خمر نظر به اینکه متهم قبل از اثبات حد شرعی توبه نمودند و با توجه به فقدان سابقه کیفری ایشان صحت آن برای این مرجع احراز گردید.»

۲. دادنامه شماره ۱۴۰۳۲۲۳۹۰۰۰۲۳۷۲۰۳۱، شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی دادگستری شهرستان قزوین، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۳.

۳. دادنامه شماره ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۶۴۳۳۷۲۶، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهرستان اسلامشهر، مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۸.

٤. دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۲۶۱۵۱۸۸، شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک مجتمع دادگاههای کیفری ۱ تهران، مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۱.

مرتکب به زشتی رفتار خویش آگاه و ندامت و اصلاح در رفتار وی مشاهده و بر ترک آن رفتار در آینده مصمم شود و سعی خود را برای اصلاح و جبران خسارت بکار گیرد.» از این‌رو ارائهٔ دستورالعملی که طبق آن مقام قضایی موظف به پذیرفتن یا نپذیرفتن توبه باشد، امکان‌پذیر نیست، اما همان‌گونه که متهم برای توبهٔ خود دلیل ذکر می‌کند، مقام قضایی نیز موظف است، پذیرش یا عدم پذیرش توبه مرتکب را مستدلاً در رأی صادره قید کند و همچنان که نمی‌تواند به صرف ادعای مرتکب اکتفا نماید، نمی‌تواند بدون دلیل نیز توبهٔ وی را قبول یا رد کند (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۳۲۹)؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که مقام قضایی چگونگی احراز توبه و پی بردن به این دگرگونی حالت نفسانی را در متن دادنامهٔ صادره قید نماید تا از این طریق آرای صادره از اتقان بیشتری برخودار بوده و ظنّ تصمیم‌گیری سلیقه‌ای شکل نگیرد.

البته در تعدد بسیار کمی از دادنامه‌ها، چگونگی احراز توبه تشریح شده است. به عنوان نمونه «ارائه خدمات عام‌المنفعه ومشارکت در امور خیر» منطبق با بند «ج» ماده ۵ شیوه‌نامهٔ احراز توبه، از مواردی بوده که مستند احراز توبه قرار گرفته است.[۱]

۴-۲. شاخص‌های مؤثر بر احراز/ عدم احراز توبه

هرچند قضات عموماً استدلال صریحی در مقام احراز یا عدم احراز ارائه نمی‌کنند؛ بااین‌حال متن دادنامه‌های موجود گویا اثرگذاری برخی از مؤلفه‌ها بر تصمیم‌گیری قضات بوده است که به چند مورد از پرتکرارترین آن‌ها اشاره خواهد شد:

۴-۲-۱. اقرار مرتکب

می‌توان چنین ادعا کرد که «اقرار مرتکب» به عمل انجام‌شده و پذیرفتن رفتار خود در مرحلهٔ رسیدگی در دادگاه، مهم‌ترین شرط احراز توبه در بین قضات بوده است؛ به‌نحوی که در صورت فقدان این شرط، احراز توبه و تحول نفسانی مدّنظر از سوی قضات غیرممکن بوده است؛ بنابراین هرچند مرتکب، در مراحل ابتدایی از جمله نزد ضابط یا مقام تعقیب و تعقیب، اقرار یا انکار کرده باشد، نهایتاً

---

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۲۵۳۹۰۰۱۰۶۴۸۰۶۲، شعبه اول دادگاه انقلاب دادگستری شهرستان گناباد، ۱۴۰۳/۰۸/۲۶: «با عنایت به شیوه‌نامه احراز توبه مصوب ریاست محترم قوه قضاییه که در بند ج ماده ۵ شیوه‌نامه مذکور یکی از شرایط احراز ندامت و اصلاح مرتکب ارائه خدمات عام‌المنفعه ومشارکت در امور خیر می‌باشد و متهم اعلام داشته است در راستای افزایش احساس نوع دوستی که خود یک نوع آموزش اخلاقی جهت ارتقا وترویج روش صحیح زندگی دراجتماع می‌باشد و جهت اثبات ندامت به صورت داوطلبانه اقدام به تهیه وسایل کمک آموزشی (دو دستگاه لپ‌تاپ) و تحویل به اداره آموزش و پرورش شهرستان‌های ... نموده است و گواهی آن را تقدیم شعبه دادگاه نموده است. با اجازه حاصل از ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار تعلیق اجرای مجازات حبس نامبرده و یک سوم جزای نقدی ایشان را به مدت پنج سال صادر می‌کند...»

بیان او در مرحلهٔ دادگاه نقش اساسی را ایفا خواهد کرد. به‌عنوان مثال در دادنامه‌ای با اتهام حمل مشروبات الکلی، دادگاه چنین انشای رأی نموده است: «با توجه به ... و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده، بزه انتسابی محرز و مسلم و ثابت است. فلذا دادگاه مستنداً به ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی مصوب سال ۱۳۸۷، مشارالیه را به پرداخت مبلغ پنج برابر قیمت عرفی تجاری مشروب الکلی مکشوفه و با ملاحظه اوضاع و احوال و وضعیت خاص متهم و اقرار وی در حین تحقیق و رسیدگی و ابراز توبه و پشیمانی ... به پرداخت مبلغ شصت میلیون ریال جزای نقدی بدل بیست ضربه شلاق تعزیری و پرداخت مبلغ شصت میلیون ریال جزای نقدی بدل از شش ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی و کسر آن محکوم می‌نماید.»[1]

۴-۲-۲. انکار و بیان توجیه

رویهٔ قضایی، نقطهٔ مقابل اقرار را انکار و بیان توجیه رفتار ارتکابی در نظر گرفته و هرگاه متهم در محضر دادگاه، به‌جای اقرار و پذیرش مطلق اشتباه خود، به بیان دفاعیات و ارائهٔ توجیه بپردازد، توبهٔ ادعایی را مقرون به واقع ندانسته و از پذیرش آن امتناع خواهد کرد. از این جهت اقرار صریح مرتکب در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی و سپس انکار در دادگاه و حتی اقرار در محضر دادگاه به همراه بیان توجیهات و دفاعیات در خصوص جرم ارتکابی عاملی بر احراز نشدن توبه خواهد بود. به‌عنوان نمونه در دادنامه‌ای پیرامون عنوان مجرمانهٔ «تشویق به فساد و فحشا از طریق دعوت و تحریک به کشف حجاب در فضای مجازی و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و انتشار محتویات مستهجن و مبتذل به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی»، دادگاه «توجیه فاقد وجاهت متهم مبنی بر اینکه قصد انتقاد داشته است» را عامل «عدم احراز مقرون به واقع‌بودن توبه متهم» دانسته است.[2]

---

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۰۶۳۵۱۶۶، شعبه ۱۰۹۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ارشاد تهران، مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۱.

۲. دادنامه ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۰۸۷۵۱۶۲۸، شعبه ۱۳۱ دادگاه کیفری دو شهرستان اصفهان (مجتمع شهید مطهری)، مورّخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹.

همچنین نمونه‌های زیر قابل ذکر است:

دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۴۳۹۰۰۰۴۵۵۳۷۸۹، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان شفت، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷: «در خصوص اتهام اقای... فاقد سابقه محکومیت کیفری مؤثر...دایر بر مصرف مسکر...با عنایت به گزارش مرجع انتظامی ، اقرار صریح و مقرون به واقع نامبرده... و ایضا به عدم توجه انکار نامبرده در مرحله رسیدگی که نه تنها از باب توبه و پشیمانی وی نبوده است. بلکه با توجه به اینکه متهم موصوف در حین رانندگی مست بوده و این رفتار وی منتهی به ایراد ←

۴-۲-۳. سابقهٔ کیفری

عامل دیگری تأثیر سلبی داشته و مانع احراز توبهٔ ادعایی می‌شود، وجود سابقهٔ کیفری است. اگرچه تبصره ۱ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی تصریح داشته است که «مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد»؛ بااین‌حال به نظر می‌رسد که «سابقهٔ کیفری» مزبور فراتر از شرط مقرر در تبصره ۱ بوده و در مواردی که مقررات تکرار جرایم تعزیری نیز محقق نباشد، وجود سابقهٔ کیفری مانع احراز توبه بوده است. از این منظر «داشتن سابقهٔ کیفری (اعم از تکرار)»، «شرط کافیِ» عدم احراز توبه و «نداشتن سابقهٔ کیفری»، «شرط لازم» احراز توبه محسوب می‌شود. به‌عنوان نمونه در موارد بسیاری قضات هنگام اتخاذ تصمیم در خصوص «توبه نسبت مصرف مسکر» که «تکرار جرم تعزیری» به‌طور کلی منتفی است نیز بر فقدان سابقه جهت احراز تأکید داشته‌اند.[1]

صدمه بدنی شبه عمدی گردیده است و به موجب نظریه افسر فنی تصادفات نیز مقصر شناخته شده است؛... بزهکاری وی را محرز دانسته...»

دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۱۳۱۰۷۸۸۷، شعبه ۱۳۰ دادگاه کیفری دو شهر اصفهان، مورّخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۱: «در خصوص اتهام اقای ... مبنی بر نگهداری مشروب الکلی خارجی به میزان دو بطری و ۲ نگهداری مشروب الکلی دست‌ساز از نوع شراب به میزان نیم لیتر... وی در ادامه در دادسرا اظهار داشته مشروب خارجی را کسی به عنوان ضمانت در گاوصندوق قرار داده و مشروب داخلی هم سرکه بوده است. در دادگاه نیز اظهار داشته که مشروب از وی نبوده و در ادامه وکلای وی بیان نموده‌اند که متهم توبه نموده است. پاسخ استعلام پزشک قانونی موید مشروب بودن مایع مکشوفه از متهم می باشد.؛ بنابراین دادگاه ضمن بلاوجه تلقی نمودن دفاعیات متهم و عدم احراز توبه وی؛ زیرا ندامت و اصلاح ایشان با توجه به انکار بزه انتسابی محقق نمی‌باشد؛ لذا وقوع و انتساب بزه را محرز دانسته.»

دادنامه شماره ۱۴۰۱۲۵۳۹۰۰۰۰۰۰۸۳۰۰۰، شعبه ۴ دادگاه کیفری یک (ویژه نوجوانان) استان خراسان رضوی، مورّخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۹: «در خصوص اتهام اقای ...، دائر به ارتکاب تفخیذ ... با لحاظ‌نمودن این مطلب که وکیل متهم اعلام داشته موکل بزه انتسابی را منکر بوده و چنانچه نظر دادگاه به محکومیت باشد بحث توبه مدنظر قرار گیرد که مشخص نگردیده متهمی که بزه را انکار نموده چگونه می‌بایست توبه و ندامت و اصلاح وی برای دادگاه محرز گردد. ... حکم به محکومیت متهم به تحمل یکصد ضربه شلاق حدی صادر و اعلام می‌دارد...»

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۱۰۸۵۱۸۵۷، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهر شاهین‌شهر، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۸: «در خصوص اتهام اقای ... دائر بر شرب خمر ... با عنایت به محتویات پرونده نظر به اینکه متهم قبل از اثبات حد شرعی توبه نمودند و با توجه به فقدان سابقه کیفری ایشان، صحت آن برای این مرجع احراز گردید.»

دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۷۳۹۰۰۰۲۴۲۵۸۵۳، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهر اردبیل، ۱۴۰۳/۰۷/۱۲: « در خصوص کیفرخواست صادرشده علیه اقایان هر دو: دایر بر مصرف مسکر ... با توجه به .. اینکه ... از عمل خود توبه کرده و متعهد شدند دیگر مرتکب جرم نشوند و با لحاظ نداشتن سابقه کیفری موثر مشارالیهما، دادگاه ندامت و اصلاح متهمان

←

۴-۲-۴. رضایت شاکی خصوصی

در آیات و روایات شریفه برای توبه ارکانی برشمرده شده است که بعضی درونی و مربوط به شخص تائب و بعضی بیرونی است. ارکان مربوط به شخص تائب را ندامت و پشیمانی قلبی، استغفار زبانی و تصمیم بر عدم بازگشت به گناه برشمرده‌اند و عمل با اعضا و جوارح، انجام عمل صالح و ادای حقوق مردم را نیز ارکان بیرونی توبه دانسته‌اند؛ به‌عبارتی یکی از ارکان توبه ادای حقوق مخلوقین و مردم از سوی توبه‌کار است. در این زمینه آیات و روایات نیز بر این رکن تکیه و اصرار دارد (مرعشی، ۱۳۷۵: ۷ و ۹). بر همین اساس بنا بر نظری حتی اسقاط مجازات سرقت حدّی در صورت توبه در مرحلهٔ پیش از اثبات جرم نیز به دلیل حق‌الناس بودن، منوط به ردّ مال بوده است (رضایی، پنجه‌پور و اسدی، ۱۳۹۸: ۱۰۲).[۱]

البته در مقابل نظر فوق، دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است توبه واجد سه عنصر اساسی معرفت، ندامت و عزم و اراده است که یکی به گذشته، دیگری به حال و سومی به آینده مربوط است و اصلاح رفتار و انجام عمل صالح از جمله جبران خسارت یا اخذ رضایت بزه‌دیده، از اجزا و ارکان توبه محسوب نمی‌گردد؛ زیرا رأی مشهور و مقرون به صواب آن است که اصلاح رفتار از آثار توبه است (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۵ و ۱۵۶).

به‌نظر اداره کل حقوقی قضائیه مطابق با متن قانون، دیدگاه دوم را مورد پذیرش قرار داده است؛ زیرا در یکی از نظریات خود مقرر کرده: «مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ترتیب اثر دادن به «توبه متهم» را مشروط به فقدان شاکی خصوصی یا گذشت وی ننموده است»،[۲] در متن

را محرز می‌داند».

۱. ازآنجا که مجازات قذف به‌عنوان حق‌الناس چه با توبه قبل از اثبات و چه با توبه بعد از اثبات جرم، ساقط نمی‌شود، چرا مجازات سرقت حدی با وجود حق‌الناس بودن ، ساقط می‌شود؟ در پاسخ شاید بتوان گفت این استثنا را مستند به روایات خاص از جمله روایت عبدالله بن‌سنان دانست که از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «السارق اذا جاء من قبل نفسه تائباً إلی الله و ردّ سرقته علی صاحبها فلا قطع علیه» (به نقل از حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۴)، «تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ص ۱۷۴).

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۱۵۸، مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۹: «اولاً، ... ثانیاً، با توجه به مقررات قانونی در خصوص توبه و به ویژه مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، که ترتیب اثر دادن به «توبه متهم» را مشروط به فقدان شاکی خصوصی یا گذشت وی نکرده است، اعمال مقررات مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ یادشده در خصوص توبه متهم با شرایط مقرر در مواد مذکور، ارتباطی به گذشت شاکی خصوصی ندارد؛ بنابراین در فرض سؤال که جرم موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، درجه شش است در صورت احراز توبه مرتکب، مجازات ساقط می‌شود.» همچنین نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۱۱، مورّخ ۱۳۹۴/۰۱/۲۲.

قانون نیز استثنای قذف و محاربه در جرایم حدّی (ماده ۱۱۴)، درجات جرم برای جرایم تعزیری (ماده ۱۱۵)، فرصت توبه کردن (ماده ۱۱۴) و منع پذیرش توبه در موارد تکرار جرم (تبصره ۱ ماده ۱۱۵) از محدودیت‌های مقرر برای اعمال این نهاد بیان نشده است.

بااین‌حال نمونه‌های بررسی‌شده گویای آن است که اخذ رضایت شاکی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت از شاخص‌های اثرگذار بر احراز توبه از سوی مقام قضایی بوده است. حتی در بند «ب» ماده ۵ شیوه‌نامهٔ احراز توبه نیز «جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا برقراری ترتیبات جبران یا تلاش برای تحصیل گذشت شاکی یا مدعی خصوصی» از جمله مواردی برشمرده شده است که می‌تواند «غالباً حاکی از صحت ادعای توبه» باشد و به‌عنوان شرط ضروری احراز توبه لحاظ نگردیده است. از این جهت به نظر می‌رسد که رویهٔ قضایی نگاهی سخت‌گیرانه‌تر در جهت حفظ منافع بزدیده از خود نشان داده است. بدین شکل می‌توان انتظار داشت نقد وارده بر متن قانون از جهت نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیده توسط نهاد توبه (اکبری، قناد و غفاری، ۱۴۰۰: ۸)، با شرایط فعلی، پوشش داده شود.

در پایان این گفتار لازم به ذکر است عاملی همچون «تعدد عناوین مجرمانه» هیچ تأثیری بر احراز یا عدم احراز توبه نداشته و در مواردی که مرتکب دارای عناوین مجرمانهٔ متعدد و بعضاً شدید باشد نیز، دادگاه، شرایط احراز توبهٔ ادعایی را به‌طور مستقل مورد ارزیابی قرار می‌دهد. چنین امری به‌عنوان «تجزیه توبه» شناخته می‌شود که به باور بعضی از علما، توبه باید از همهٔ گناهان باشد و نمی‌شود از بعضی گناهان توبه نمود و بعضی دیگر توبه نکرد. در مقابل اغلب علما با این نظریه مخالفت کرده و تجزیهٔ توبه را ممکن می‌دانند، بدین معنی که شخص می‌تواند از بعضی گناهان توبه کرد و از برخی دیگر توبه نکند (کشاورزمحمدیان، ۱۳۸۹: ۱۶) که به نظر همین رویکرد در رویهٔ قضایی مشاهده می‌شود.

۴-۳. تساهل قضایی نسبت به مصرف مسکر و جرایم مرتبط

برآیند تحلیل نمونه‌های پژوهش در نگاه نخست بیان‌گر این گزاره است که «در حال حاضر عنوان مجرمانه مصرف مسکر، مهم‌ترین نقش را در پرونده‌های مرتبط با توبه ایفا می‌کند»؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، بیش از ۶۰ درصد (۳۸۰ دادنامه ۶۶۰ دادنامه نمونه پژوهش) از تمام پرونده‌های حول موضوع توبه به این عنوان اختصاص داشته است.

بااین‌وجود آنچه نشان‌دهندهٔ نگاه سیاست کیفری سهل‌گیرانهٔ رویهٔ قضایی در ارتباط با عنوان مجرمانهٔ مصرف مسکر بوده، نرخ ۸۶ درصدی صدور قرار موقوفی تعقیب در اینگونه از پرونده‌ها است؛ به‌عبارتی از مجموع ۳۸۰ پرونده که در آن‌ها نسبت به مصرف مسکر ادعای توبه مطرح شده است، در ۳۲۷ مورد، این امر احراز گردیده و منجر به سقوط مجازات بوده است.

بررسی محتوای دادنامه‌ها نیز حاکی از آن است که در مواردی که نسبت به اتهام مصرف مسکر ادعای توبه مطرح گردیده است، در صورت مهیا بودن شرایط فوق‌الذکر؛ یعنی «اقرار صریح مرتکب»، «عدم انکار و توجیه» و نیز «فقدان سابقهٔ کیفری»، حتی در شرایط تعدد عناوین انتسابی، قضات تمایل زیادی به سقوط مجازات حدّی خواهند داشت. در مواردی مشاهده می‌گردد که بدون وجود شرایط فوق[1] و نیز در مورد شخصی که سال‌ها سابقهٔ مصرف مسکر داشته،[2] توبه احراز و قرار موقوفی صادر گردیده است.

۴-۵. غلبهٔ نگاه ارفاقی نسبت به جرایم مرتبط با مواد مخدر

بررسی عناوین مجرمانهٔ نمونهٔ پژوهش حاکی از آن بوده است که از مجموع ۶۱۰ دادنامه، ۷۸ نمونه مرتبط با جرایم مواد مخدر بوده است که از این تعداد ۶ مورد (۸ درصد) به قرار موقوفی تعقیب، ۵۶ مورد (۷۲ درصد) به احراز همراه با تخفیف و ۱۶ مورد (۲۰ درصد) به عدم احراز توبه منجر شده است.

در نظر گرفتن این نکته حائز اهمیت است که جرایم مواد مخدر عمدتاً دارای مجازات‌های شدید بوده و به‌ندرت در قلمروی اِعمال نهاد توبه به‌عنوان عامل سقوط مجازات (درجات ۸ تا ۶) قرار می‌گیرند. از این‌جهت تعداد اندک قرارهای موقوفی صادره، بیش از آنکه نمایان‌گر نگرش سخت‌گیرانه قضات در اعمال توبه نسبت به ان جرایم باشد، ناشی از محدودیت‌های تقنینی بوده است.

---

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۰۸۰۷۶۷۳۴، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهر اقلید، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۹: «در خصوص اتهام اقایان ... دایر بر شرب خمر ...، با عنایت به که هر دو متهم به موجب یک فقره لایحه جداگانه ابراز ندامت و پشیمانی نمونه و توبه خود را اعلام نموده اند، دادگاه با پذیرش توبه ایشان مستند به ماده ۱۳ از قانون ایین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب نامبردگان را صادر و اعلام می‌نماید.»

دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۰۳۹۰۰۰۷۷۰۵۵۶۳، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان اسکو، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۶: «در خصوص اتهام اقای ... دایر بر شرب خمر ... دادگاه باتوجه به اینکه متهم توبه کرده و لایحه مبنی بر توبه‌نامه به دادگاه ارائه کرده و دادگاه توبه متهم را احراز نموده؛ لذا ... به لحاظ توبه متهم قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌دارد.»

۲. دادنامه شماره ۱۴۰۳۲۲۳۹۰۰۰۲۳۳۷۷۲۸، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهر تاکستان، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۱: «درخصوص اتهام اقای ...، دائر بر شرب خمر ... پس از انجام تحقیقات توسط ضابطین دادگستری و احضار متهم پرونده برای تفیهم اتهام در پاسخ اعلام می‌نماید که شرب خرم نموده‌ام و بمدت ده سال است که شرب خمر می نمایم؛ ... دادگاه باتوجه به شرح و محتویات پرونده ... نظر به اقرار صریح و مقرون به واقع متهمان در جلسه رسیدگی دادگاه ...توجه اتهام شرب خمر برای دادگاه محرز بوده؛ ولی دادگاه با در نظر گرفتن اینکه متهم پرونده ابراز ندامت و پشیمانی خود را اعلام نموده و بیان کرده از رفتار خود نادم بوده و توبه نموده و از طرفی اصلاح ایشان و عدم تکرار بزه شرب خمر برای دادگاه محرز بوده و نامبردگان فاقد سابقه کیفری بوده مجازات حدی ایشان را ساقط و قرار موقوفی تعقیب نامبرده را صادر و اعلام می‌نماید.»

در مقابل می‌توان مدعی شد که رویهٔ قضایی متمایل به استفاده از نهاد توبه به‌عنوان عامل تخفیف بوده است؛ زیرا همان‌طور که داده‌های کمّی بیان می‌کنند، قضات در ۷۲ درصد از پرونده‌های مرتبط، توبه را به‌عنوان ابزار تخفیفی درنظر گرفته‌اند. متن دادنامه‌ها نیز حاکی از آن بوده است که به‌صِرف ادعای توبه از سوی مرتکب و مهیا بودن عوامل سه‌گانهٔ پیش‌گفته (اقرار، عدم انکار، فقدان سابقه)، قضات مراتب تخفیف را اِعمال خواهند نمود.

۴-۶. سخت‌گیری قضایی در مواجهه با سایر عناوین مجرمانه

در صورت خارج کردن عنوان «مصرف مسکر» (نوشیدن شراب، تجاهر به نوشیدن، نوشیدن متجاهراً و علناً) و «عناوین مجرمانهٔ مرتبط با مواد مخدر» (حمل، نگهداری، فروش، تولید)، رویهٔ قضایی گویای عدم تمایل قضات در اِعمال نهاد توبه بوده است. به نحوی که از مجموع ۶۱۰ دادنامه، ۳۸۰ مورد به مصرف مسکر (۶۲ درصد) و ۷۸ مورد به جرایم مرتبط با مواد مخدر (۱۳ درصد) اختصاص داشته و به‌عبارتی در ۷۵ درصد از پرونده‌ها، ادعای توبه نسبت به دو عنوان فوق مطرح می‌شود و تمام عناوین مجرمانهٔ دیگر اعم از حدی و تعزیری، ۱۵۲ دادنامه را شامل می‌شوند، یعنی تنها در ۲۵ درصد از پرونده‌ها، با صِرف ادعای توبه در مورد سایر عناوین مجرمانه (فارغ از احراز یا عدم احراز) مواجه هستیم. به‌علاوه از مجموع ۱۵۲ دادنامهٔ مذکور، تقریباً نیمی از پرونده‌ها (۷۵ دادنامه) با عدم احراز توبه همراه بوده است. از این بین ۴۶ دادنامه (۳۰ درصد) به قرار موقوفی و ۳۱ دادنامه (۲۱ درصد) به تخفیف منتهی شده‌اند؛ بنابراین رویهٔ قضایی نسبت به عناوین مجرمانهٔ غیر مصرف مسکر و مرتبط با مواد مخدر، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را از خود بروز داده و تنها در کمتر از نیمی از موارد، ادعای توبه را مورد پذیرش قرار داده است.

چنین رویکردی سبب شده است که حتی در مواردی علی‌رغم احراز توبه در خصوص جرایم درجه ۶ تا ۸، قاضی از اسقاط مجازات امتناع کرده و حکم به تخفیف و تعلیق مجازات صادر نماید. به‌عنوان مثال در یک مورد دادگاه پس از پذیرش ادعای توبهٔ مرتکب، «جزای نقدی درجه شش بابت توهین را با یک درجه تخفیف به جزای نقدی درجه هفت به مبلغ ۱۶۰ میلیون ریال تخفیفاً تقلیل» داده است.[۱] همچنین در پرونده‌ای دیگر در خصوص عنوان انتسابی «ساخت، نگهداری و فروش مشروبات الکلی دست‌ساز» موضوع ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی (درجه شش)، هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری و تحمل شش ماه حبس تعزیری تعیین شده و سپس با احراز توبهٔ مرتکب، قرار تعلیق اجرای

---

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۱۳۹۰۰۰۱۹۵۷۳۳، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان زنجان، مورّخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۹.

مجازات‌های جزای نقدی و حبس تعزیری فوق‌الذکر، به مدت پنج سال اعلام می‌گردد.[۱]

احتمالاً چنین رویکردی سبب شده است که میل به طرح ادعای توبه نیز در سایر عناوین مجرمانه کاهش یابد؛ زیرا از یک‌سو، ادعای توبه به‌مثابهٔ اقرار ضمنی در پرونده محسوب‌شده (اماره‌ای بر محکومیت متهم)[۲] و از سوی دیگر، احتمال پذیرش آن قابل اتکا نیست (در نیمی از موارد احراز نمی‌شود) که نشان‌گر یک راهبرد دفاعی نامطمئن برای متهم خواهد بود.

۴-۷. پایبندی به ضابطهٔ زمانی «تا اثبات جرم»

ضابطهٔ زمانی اثبات جرم از موضوعات محوری توبه است که در ادبیات حقوقی مورد اختلاف بوده و دو استدلال کاملاً متفاوت ارائه شده است. عده‌ای معتقد هستند که «اثبات جرم یعنی احراز مجرمیت متهم در دادگاه که یک مرحله قبل از صدور حکم است؛ اما اینکه به استناد ماده ۱۱۸ گفته شود حتی مرحله پس از صدور حکم و پیش از قطعیت آن هم پیش از اثبات به‌شمار می‌رود، ... قابل پذیرش نیست؛ زیرا زمان توبه غیر از زمان ارائه دلیل توبه است.» (وطنی، توجهی و رجایی، ۱۴۰۰: ۵۰). در مقابل عده‌ای اثبات جرم را ناظر بر مرحلهٔ قطعیت حکم دانسته و معتقد هستند: «از لحاظ مقررات آیین دادرسی کیفری تا زمانی که حکم قطعی صادر نشده است، شخص متهم می‌باشد و زمانی که حکم قطعی است که یا قانون آن را قطعی دانسته یا اینکه مراحل تجدیدنظرخواهی پیموده نشده است؛ لذا تاریخ قطعیت حکم، تاریخ اثبات جرم محسوب می‌شود.» (امیری، ۱۴۰۰: ۴۰) نتیجهٔ دیدگاه اخیر چنین خواهد بود که حتی در جرایم حدّی نیز فرصت توبه‌کردن متهم تا هنگام قطعیت حکم گسترده می‌شود.

بااین‌حال اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریات متعدد و نیز هیئت عمومی دیوان عالی کشور بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۸۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۹ ، در خصوص «مهلت توبه» بین جرایم حدّی و تعزیری قائل به تفصیل شده‌اند؛ زیرا دو نهاد فوق در نظریات خود چنین مقرر کرده‌اند که منظور از عبارت «متهم قبل از اثبات جرم توبه کند....»، در جرایم تعزیری این است که «متهم باید

---

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۰۱۳۳۶۳۱، شعبه ۱۰۹۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ارشاد تهران، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۰.

۲. نکته قابل توجه اینکه در برخی آرا، توبه مرتکب اقرار ضمنی قلمداد شده است، در حالی که تحصیل دلیل به شیوه قانونی اقتضا می‌کند که نه‌تنها توبه مرتکب، اقرار تلقی نشود، بلکه حتی اقرار به منظور توبه نیز نباید قابل استناد باشد؛ زیرا اگر مرتکب احتمال دهد اقراری که می‌کند، ممکن است علیه وی استناد شود، تمایلی به توبه نخواهد داشت. با عدم پذیرش توبه، اقرار مرتکب به دلیل اینکه تحصیل دلیل به شیوه قانونی صورت نگرفته است، نباید مورد استناد قرار بگیرد (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۳۴۵).

قبل از قطعیت حکم (قبل از صدور حکم قطعی) توبه کند و دادگاه رسیدگی‌کننده در هر مرحله از مراحل دادرسی؛ اعم از بدوی یا تجدیدنظر، قبل از قطعیت حکم، توبهٔ متهم و ندامت و اصلاح وی را احراز کند؛ زیرا مادام که حکم محکومیت کسی قطعی نشده است، نمی‌توان جرم او را ثابت دانست و به همین جهت صدور کیفرخواست و نیز صدور رأی بدوی که قابل تجدید نظر باشد، «اثبات جرم» تلقی نمی‌شود.»[1] به‌عبارتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه و هیئت عمومی دیوان، ماده ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته است: «متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید» را نخست بر جرایم تعزیری محدود دانسته و سپس ضمن خلط «تعیین فرصت ارائه ادله مربوط به توبه» با «فرصت توبه کردن»، بازهٔ زمانی مقرر در ماده ۱۴۴ (تا مرحلهٔ اثبات جرم) را در خصوص جرایم تعزیری، به «زمان قطعیت حکم» گسترش داده است. در صورتی که به‌نظر می‌رسد قضات دیوان با خلط دو مفهوم «اثبات» و «قطعیت»، احکام اثبات را بر قطعیت بار نموده‌اند، درحالی‌که قطعیت دارای سابقهٔ فقهی نیست و نباید امر غیرفقهی را بر تأسیسی فقهی تحمیل نمود (برهانی و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۱).

نکتهٔ دیگر اینکه به موجب رأی وحدت‌رویهٔ مزبور، در صورت توبه مرتکب «بعد از قطعیت حکم، موضوع از شمول این مقررات خارج است و بعد از قطعیت حکم، عفو یا تخفیف مجازات محکومان مطابق بند ۱۱ اصل یکصدودهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مشابه آنچه ذیل ماده ۱۱۴ و تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون یادشده مقرر شده است)، امکان‌پذیر است.» در حالی به عقیدهٔ برخی از نحوهٔ نگارش ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نظر می‌رسد مقنن برای زمان نقشی در توبه (جرایم تعزیری) قائل نشده است. توبه هر زمان محقق و احراز شد، مسقط مجازات درجه ۶ و ۷ و ۸ است و در سایر موارد موجب تخفیف است (وطنی، توجهی و رجایی، ۱۴۰۰: ۵۷). به‌عبارتی قانون‌گذار در صورت صلاحدید می‌توانست تفکیک مقرر در ماده ۱۱۴ قانون مجازات را در ماده ۱۱۵ نیز جاری نماید، اما ظاهراً قانون‌گذار با ترجیح سکوت به جای بیان، مهر تأییدی بر عدم موضوعیت زمان توبه در تعزیرات زده است (برهانی و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۳).

با این‌حال به‌نظر می‌رسد رویهٔ قضایی نه‌تنها به مباحث نظری بی‌توجه بوده، بلکه حتی تفکیک

---

۱. نظریات مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۲۲۴ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۱؛ شماره ۷/۱۴۰۰/۳۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۷؛ شماره ۷/۹۹/۱۴۸۹، مورّخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۱؛ شماره ۷/۹۹/۱۶۱۳، مورّخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۱؛ شماره ۷/۹۹/۱۴۶۴، مورّخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۴؛ شماره ۷/۹۸/۲۰۱۶، مورّخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۷؛ شماره ۸/۹۸/۲۷۳۳، مورّخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۶؛ شماره ۷/۹۶/۸۲۱، مورّخ ۱۳۹۶/۰۴/۱۱؛ شماره ۷/۹۵/۱۸۰۶، مورّخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۲؛ شماره ۷/۹۵/۱۵۸۸/، مورّخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۵؛ شماره ۷/۹۳/۱۹۰۷، مورّخ ۱۳۹۳/۰۸/۱۱.

ارائه‌شده در نظریات مشورتی و رأی وحدت رویه نیز مورد تأیید نبوده و قضات در مقام رسیدگی از گسترش بازهٔ زمانی توبه استقبال نکرده‌اند؛ زیرا از یک‌سو داده‌های آماری حاکی از آن است که در هیچ‌کدام از موارد بررسی‌شده، زمانه توبه‌کردن پس از اثبات جرم (صدور حکم بدوی) و در مرحلهٔ تجدیدنظر نبوده است و از سوی دیگر قضات در متن رأی عمدتاً تصریح دارند که «هرچند وقوع جرم از نظر دادگاه محرز و مسلّم است، بااین‌حال از آن جهت که ادعای توبه پیش از اثبات طرح شده، قابل پذیرش است». حتی در رسیدگی‌های غیابی، در صورت توبه (اعم از منتهی‌شدن به قرار موقوفی یا تخفیف) این امر مورد اشاره قرار خواهد گرفت که توبهٔ مرتکب پیش از اثبات جرم واقع شده است. در نتیجه می‌توان ادعا نمود که رویهٔ قضایی برداشت متفاوتی از جمع مواد ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی نسبت به مباحث دانشگاهی، اداره کل حقوقی و حتی هیئت عمومی دیوان عالی کشور داشته و فرصت توبه کردن را در تمامی جرایم محدود به زمان اثبات جرم (صدور حکم دادگاه بدوی) می‌داند.[۱]

نتیجه

توبه را به‌عنوان یک «تأسیس حقوقی» می‌توان جلوه‌ای از سیاست‌های کیفرزدایی و بازاجتماعی کردن بزهکار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دانست که قانون‌گذار تلاش داشته است با ارائهٔ رویکردی مبسوط، جرایم تعزیری را نیز در دایرهٔ شمول آن بگنجاند.

با این‌حال آنچه در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی به‌مثابهٔ جلوه‌ای از کیفرزدایی در سیاست جنایی تقنینی، بروز نموده است، سرانجام در سیاست جنایی قضایی و در درک، برداشت و متعاقباً تصمیمات مقامات قضایی معنا خواهد یافت؛ در نتیجه پژوهش حاضر بر همین امر تمرکز داشته است که رویهٔ قضایی این نهاد کیفرزدا و امتنانی را چگونه تفسیر کرده و به‌کار می‌برد.

بدین منظور دادنامه‌های صادرهٔ مشتمل بر توبه، به‌عنوان اصلی‌ترین سند منعکس‌کننده‌ی رویهٔ قضایی، ملاک ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. در این راستا دههٔ اخیر (۱۳۹۴-۱۴۰۳) به‌عنوان قلمروی زمانی پژوهش تعیین شد و در مجموع ۹۲۵ دادنامه گردآوری گردید. در گام بعدی با پالایش (حذف

---

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۴۱۳۹۰۰۰۱۴۸۵۸۵۶، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهر دهدشت (کهگیلویه و بویراحمد)، مورّخ ۱۴۰۳/۰۶/۳۰: «در خصوص اتهامات اقای ... دایر بر الف) تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، ب) توهین به مقام معظم رهبری و ج) توهین به مقدسات دین اسلام؛ ...، دادگاه اولاً و در مورد اتهامات ردیف‌های الف و ب نظر به آنکه جرایم مورد رسیدگی به دلالت مواد ۱۹ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ... از جرایم تعزیری درجه شش محسوب و مشمول اعمال مقررات توبه می‌گردد و متهم حسب اظهارات خویش در جلسه دادرسی احساس ندامت و پشیمانی از ارتکاب مجدد جرم و تصمیم جدی بر عدم تکرار آن در آینده را اظهار و توبه نموده است و نظر به توبه مرتکب قبل از اثبات جرم و ... ، قرار موقوفی تعقیب متهم را صادر و اعلام می‌دارد.»

قرارهای دادسرا، حکم برائت، قرار موقوفی به علت مرور زمان، فوت یا گذشت شاکی خصوصی، نپرداختن دادگاه به ادعای توبه) دادنامه‌های اولیه ، ۶۱۰ دادنامه نمونهٔ نهایی پژوهش حاضر را تشکیل دادند. سپس متن دادنامه‌ها بر اساس محورهای اولیه‌ی زیر مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج محورهای فرعی اضافه و استخراج شد:

- عناوین مجرمانهٔ حدّی و عناوین مجرمانهٔ تعزیری منجر به قرار موقوفی تعقیب؛
- عناوین مجرمانهٔ تعزیری منجر به تخفیف؛
- استدلال قضات در راستای پذیرش توبه؛
- استدلال قضات در جهت عدم احراز توبه؛
- شاخص‌های اثرگذار در احراز یا عدم احراز توبه؛

تحلیل کمّی بررسی دادنامه‌ها بیان‌گر آن بود که از ۶۱۰ دادنامه مشتمل بر توبه به‌عنوان نمونهٔ پژوهش، ۳۷۹ مورد (۶۲ درصد) منجر به صدور موقوفی تعقیب؛ ۸۷ دادنامه منجر به احراز همراه با تخفیف (۱۴ درصد) و ۱۴۴ مورد (۲۴ درصد) منتهی به عدم احراز توبه گردیده است؛ به‌عبارتی در ۴۶۶ دادنامه (۷۶ درصد)، توبهٔ ادعایی منطبق بر واقع تشخیص داده شده است.

در بین عناوین مجرمانه، مصرف مسکر بیشترین فراوانی را داشته و ۳۸۰ دادنامه (۶۲ درصد) را به خود اختصاص داده است که از این بین در ۸۶ درصد موارد (۳۲۷ دادنامه) با قرار موقوفی تعقیب مواجه شده و تنها ۱۴ درصد از دادنامه‌های مشتمل بر این عنوان مجرمانه منتهی به عدم احراز توبه شده‌اند.

جایگاه دوم پرتکرارترین عنوان مجرمانه به جرایم مرتبط با مواد مخدر اختصاص داشته است. این عنوان مجرمانه جمعاً ۷۸ دادنامه (۱۳ درصد ازکل نمونه پژوهش) بوده که از این تعداد ۵۶ دادنامه به تخفیف، ۶ دادنامه به قرار موقوفی تعقیب و ۱۶ دادنامه به عدم احراز توبه منجر گشته است.

به‌عبارتی در ۷۵ درصد از پرونده‌ها، ادعای توبه نسبت به دو عنوان فوق مطرح می‌شود و تمام عناوین مجرمانهٔ دیگر اعم از حدّی و تعزیری، ۱۵۲ دادنامه (۲۵ درصد) را شامل می‌شوند.

بررسی دادنامه‌های مزبور علاوه بر خروجی‌های کمّی و آماری، تحلیل‌های کیفی نیز دربر داشته است:

- در حال حاضر رویهٔ قضایی نشان‌گر ضابطه‌ای معین در مقام احراز توبه نیستند؛ دست‌کم قضات در متن دادنامه‌ها صرفاً به «احراز یا عدم توبه»، «منطبق بر واقع بودن یا نبودن» یا «صحبت یا عدم صحت ادعای توبه» اشاره داشته و چگونگی حصول این نتیجه مشخص نیست.

- «اقرار کردن»، «عدم بیان توجیه و انکار» و «نداشتن سابقهٔ کیفری» (جدای از موضوع تکرار جرم)، شاخص‌های اساسی جهت احراز صحت ادعای توبه بوده و هر کدام شرط لازم جهت برخورداری از ارفاقات این نهاد هستند. همچنین «اعلام رضایت شاکی خصوصی» (جرایم غیرقابل

گذشت)، می‌تواند از مؤلفه‌های اثرگذار بر تصمیم قاضی باشد. با این‌حال عواملی مانند تعدد جرایم تأثیری بر تصمیم قضات نداشته و منافاتی با احراز توبه ندارد.

- در مجموع می‌توان مدعی شد که رویهٔ قضایی در استفاده از نهاد توبه به صورت «سیاست کیفری سهل‌گیرانه در خصوص عنوان مجرمانهٔ مصرف مسکر»، «استفاده به‌عنوان نهاد ارفاقی در جرایم مرتبط با مواد مخدر» و «سیاست کیفری سخت‌گیرانه در خصوص سایر عناوین مجرمانه» بروز کرده است.

- رویهٔ قضایی پذیرای نظریات مشورتی ارائه‌شده از سوی اداره کل حقوقی قوهٔ قضائیه نبوده و زمان توبه کردن را چه در جرایم حدی و چه در جرایم تعزیری، تا پیش از اثبات جرم تلقی می‌کند و از این جهت با گسترش بازهٔ زمانی توبه در جرایم تعزیری «تا صدور حکم قطعی» موافق نبوده است.

به‌عنوان برآیند نهایی تحلیل‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که باوجود پیش‌بینی گسترهٔ تقنینی وسیع (تقریباً تمام جرایم حدّی و تمام جرایم تعزیری)، تأسیس حقوقی کیفرزدای توبه در رویهٔ قضایی به‌صورت محدود مورد استفاده قرار می‌گیرد. از یک‌سو در تعداد بسیار کمی از پرونده‌هایی که بر اساس عنوان مجرمانه قابلیت استفاده از نهاد توبه را دارند، چنین ادعایی مطرح می‌شود و از سوی دیگر، موارد مطرح‌شده نیز بر عناوین خاصی معطوف هستند؛ به‌نحوی که از مجموع جرایم حدّی تنها عنوان مجرمانهٔ «مصرف مسکر» در بین دادنامه‌ها ملاحظه می‌گردد و سایر جرایم حدّی، سهمی در برخورداری (حتی طرح ادعا) از این نهاد ندارند. در بین جرایم تعزیری نیز عناوین مرتبط با مواد مخدر، بخش قابل توجهی از دادنامه‌ها را به خود اختصاص داده و از نهاد توبه به‌عنوان عامل تخفیف بهره می‌برد و سایر عناوین تعزیری حضور بسیار کم‌رنگی در طرح ادعای توبه دارند. این عدم استقبال از تأسیس حقوقی توبه که در رویهٔ قضایی منعکس شده، گویای آن است که تجویز تقنینی نهادهای کیفری فقهی نیز مانند تمامی نهادهای حقوقی دیگر، تضمین‌کنندهٔ مورد استفاده قرار گرفتن و مؤثربودن آن‌ها نخواهد بود؛ بنابراین موضوعیت‌یافتن توبه به‌عنوان یک ابزار کیفرزدا و تفرید کیفری نیز مستلزم شناسایی بسترهای قضایی و فرهنگی و متناسب‌سازی قوانین با این عوامل است.

بر مبنای چالش‌های شناسایی‌شده رویهٔ قضایی، از یک‌سو لازم است مراجع عالی قضایی نسبت به مفاد دادنامه‌ها حساسیت بیشتری ملحوظ داشته و از تأیید دادنامه‌هایی که بدون ضابطه‌ای مشخص و بدون ذکر استدلال، ادعای توبه مرتکب را احراز کرده یا نپذیرفته‌اند، خودداری کنند. چنین رویکردی خود می‌تواند اصلاح‌کنندهٔ رویه قضایی باشد. از سوی دیگر برگزاری کارگاه‌های آموزشی تخصصی با دو محور ابعاد قانونی ـ فقهی نهاد توبه و نیز تحلیل و نقد آرای محارکم، می‌تواند ضمن اصلاح کاستی‌های پیشین، به گسترش قلمروی کاربست قضایی نهاد توبه نیز کمک نماید.

منابع

فارسی

- ازکیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید و پارتازیان، کامبیز. (۱۳۹۶). رو ش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- اکبری، مسعود؛ قنّاد، فاطمه و غفّاری چراتی، صالح. (۱۴۰۰). چالش‌های نظری و علمی نهاد توبه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. فصلنامه مدرس حقوق کیفری و جرم‌شناسی، سال ۱، شماره ۱: صص ۱-۲۵.
- الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن. (۱۴۰۰). درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- امیری، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل قضایی از تشریفات شکلی توبه در مراحل دادرسی کیفری»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۲۱.
- بابائی، محمدعلی و غلامی، میثم. (۱۳۹۱). مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی درقانون جدید مجازات اسلامی. پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۳، صص ۸۰-۵۹.
- برهانی، محسن؛ لطفعلی‌زاده، الهه. (۱۴۰۱). قلمرو زمانی توبه در تعزیرات؛ با تأکید بر رأی وحدت‌رویه شماره ۸۱۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور. نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۸: صص ۱۹-۱.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۹۹). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، مترجم حسن چاوشیان، چاپ دوازدم، تهران: نشر نی.
- خان‌محمدی، محسن. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی جایگاه توبه در حقوق جزای موضوعه و فقه امامیه در سقوط مجازات‌های حدی. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، سال سوم، شماره ۴.
- رضایی، محمدجلیل؛ پنجه‌پور، جواد و اسدی کوه‌باد، هرمز. (۱۳۹۸). نگاه تحلیلی به نقش توبه در حدود (سرقت) و تعزیرات بر اساس فقه و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۳. نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، ششماره ۲۳.
- صادقی، محمدهادی. (۱۳۹۲). نقش توبه در حدود و تعزیرات. پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۸.
- صادقی، ولی‌اله. (۱۳۹۸). فرایند کیفرزدایی در نظام عدالت کیفری ایران. پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۲۸.
- عبداللهی، افشین. (۱۳۹۸). کیفیت احراز توبه با مطالعه موردی آرای دادگاه‌ها. آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۸.
- فضائلی، محمدحسین. (۱۳۹۵). مبانی کلامی و فقهی توبه در حقوق کیفری اسلامی. نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۳ و ۷۴.
- کشاور محمدیان، حمیدرضا. (۱۳۸۹). نقش توبه در سقوط مجازات و بازجامعه‌پذیری مجرمانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی).
- مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن. (۱۳۷۵). توبه و نقش آن در سقوط مجازات از دیدگاه حقوق جزای اسلامی»، دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۳: صص۳۶-۱.
- وطنی، امیر؛ توجهی، عبدالعلی و رجایی، حسین (۱۴۰۰). نقش زمان در توبه مجرمین. نشریه حقوق اسلامی، شماره ۶۹.

آرای قضایی

- دادنامه شماره ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۶۴۳۳۷۲۶، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهرستان اسلامشهر، مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۸.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۱۳۱۰۷۸۸۷، شعبه ۱۳۰ دادگاه کیفری دو شهر اصفهان، مورّخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۱.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۲۵۳۹۰۰۱۰۶۴۸۰۶۲، شعبه اول دادگاه انقلاب دادگستری شهرستان گناباد، ۱۴۰۳/۰۸/۲۶.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۲۶۱۵۱۸۸، شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک مجتمع دادگاه‌های کیفری ۱ تهران، مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۱.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۱۳۹۰۰۰۱۹۵۷۳۳، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان زنجان، مورّخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۹.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۱۰۵۰۹۷۸۹، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهر شاهین‌شهر، ۱۴۰۳/۰۸/۱۰.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۰۸۰۷۶۷۳۴، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهر اقلید، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۹.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۰۶۳۵۱۶۶، شعبه ۱۰۹۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ارشاد تهران، مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۱.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۰۳۹۰۰۰۷۷۰۵۵۶۳، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان اسکو، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۶.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۲۲۳۹۰۰۰۲۳۷۲۰۳۱، شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی دادگستری شهرستان قزوین، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۳.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۲۲۳۹۰۰۰۲۳۳۷۷۲۸، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهر تاکستان، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۱
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۱۰۸۵۱۸۵۷، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهر شاهین‌شهر، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۸.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۰۱۳۳۶۳۱، شعبه ۱۰۹۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی ارشاد تهران، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۰.
- دادنامه ۱۴۰۳۰۹۳۹۰۰۰۸۷۵۱۶۲۸، شعبه ۱۳۱ دادگاه کیفری دو شهرستان اصفهان (مجتمع شهید مطهری)، مورّخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۴۳۹۰۰۰۴۵۵۳۷۸۹، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان شفت، مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۷۳۹۰۰۰۲۴۲۵۸۵۳، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهر اردبیل، ۱۴۰۳/۰۷/۱۲.
- دادنامه شماره ۱۴۰۳۴۱۳۹۰۰۰۱۴۸۵۸۵۶، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهر دهدشت (کهگیلویه و بویراحمد)، مورّخ ۱۴۰۳/۰۶/۳۰.
- دادنامه شماره ۱۴۰۱۲۵۳۹۰۰۰۰۰۸۳۰۰۰، شعبه ۴ دادگاه کیفری یک (ویژه نوجوانان) استان خراسان رضوی، مورّخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۹.
- تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۴۱۸۸۲۷۲، شعبه ۱ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۸ (جرایم امنیت اخلاقی)، مورّخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۰.

- تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۱۰۱۳۹۰۰۰۰۳۹۸۵۵۹، شعبه ۸ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ساوجبلاغ، مورّخ ۱۴۰۱/۰۱/۳۱.
- تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۳۶۲۰۰۲۰۱۸، شعبه ۱ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اصفهان (مجتمع ۴)، مورّخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۹.
- دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۴۴۳۷۶۰۰۰۸۰، شعبه ۴دادگاه کیفری یک استان آذربایجان غربی مستقر در خوی، مورّخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۲.
- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۵۸۴۴۵۰۰۲۷۰، شعبه اول دادگاه کیفری یک شهرستان بجنورد، مورّخ ۱۳۹۵/۱۲۸/۲۸.